

## محبت اهل بیت علیهم السلام، استراتژی حیات و راهبرد تربیتی

محمد نجفی، \* زهره متقی \*\*

### چکیده

اصل محبت اهل بیت علیهم السلام که هم‌شان رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله است، به‌عنوان یکی از اصول مبنایی تفکر شیعی شناخته و حقیقت این اصل در دلائل نقلی و عقلی تأیید شده است؛ اما اهمیت این اصل به‌عنوان استراتژی زندگی و راهبرد تربیتی کمتر مدنظر قرار گرفته است. در این راستا، این مقاله با رویکرد کیفی و با روش توصیفی - استنتاجی به بررسی این راهبرد پرداخته است و پس از گردآوری داده‌ها بر اساس اسناد و محتواهای مرتبط، مبانی و اهداف آن در حیطه نظر و عمل، تحلیل و سپس مؤلفه‌های تربیتی آن استنتاج شده است. نکته حائز اهمیت در فرآیند محبت در دیدگاه اسلام آن است که محبت و دوستی اولیای الهی محبتی رشددهنده و علت غایی آفرینش هستی است و موجب شکل‌گیری

\* - عضو هیأت علمی و استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

\*\* - دانشجوی دوره دکتری دانشگاه اصفهان.



نگرش‌ها و باورهای مثبت می‌شود و به‌عنوان هدف غایی تربیتی، تأمل‌برانگیز است. اصل توجه به اراده، اصل عینیت‌بخشی به حب الهی، اصل ارتقاء شناختی درک، اصل ارتقاء فهم هدفمندی آفرینش، از اصول مهم این استراتژی تربیتی است و با روش الگوی عاطفی اجراشدنی است. جامعیت الگویی ائمه اطهار علیهم‌السلام اقتضای آن را دارد که فرد پیرو با احساسی عمیق در تمام ابعاد و جنبه‌های شخصیت انسانی، آنان را اسوه خود قرار دهد و به غنای شخصیتی دست یابد.

## واژه‌های کلیدی

محبت اهل بیت علیهم‌السلام، بُعد عاطفه، تربیت عاطفی، تربیت اخلاقی.

## مقدمه

در عرصه انسان‌شناسی دینی، بُعد معنوی و جنبه غیرمادی شخصیت آدمی که مفاهیم گوناگونی هم‌چون روح، عقل، نفس، قلب و ... بر آن دلالت دارد، مهم‌ترین و اساسی‌ترین هویت وجودی انسان را تشکیل می‌دهد. به همین سبب، قابلیت‌ها و استعدادهای قابل ملاحظه و خیره‌کننده‌ای برای تکامل و پیشرفت دارد که در منطق دین، حد و مرزی برای آن نمی‌توان متصور شد. تحقق و فعلیت یافتن صحیح این توانایی‌ها و امکانات بالقوه در نهاد و سرشت وجود آدمی و روح او و هم‌سو شدن قابلیت‌های مادی، جسمانی و بشری با آن، در ادیان توحیدی و به‌ویژه اسلام، راز نهایی سعادت حقیقی انسان به‌شمار می‌آید و جاودانگی خوش فرجام او نیز در گرو به انجام رسیدن این مهم است. برای حرکت و تلاش در این مسیر و بسترسازی برای دست‌یابی به این مقاصد متعالی و روحانی، باید از ابتدایی‌ترین مراحل آموزش و تربیت، در اندیشه

طراحی يك برنامه درسي بود و با فراهم آوردن فرصت هاي يادگيري گوناگون چه به طور رسمي و غيررسمي و چه به شكل نھان يا آشكار، رسيدن به اهداف معنوي را تسهيل نمود. فراهم نمودن چنين برنامه درسي و طراحی آن، بدون تبیین و تدوین مباني نظري و پيش فرض هاي تئوريك آن، امکان پذير نيست. پرداختن به موضوع تربيت معنوي و روبگرد به هستي، انسان و ارزش ها با نگرش اسلامي و معنوي مي تواند بيان كننده بخش مهمي از مباحث نظري و پايه ای برای برنامه درسي معنويت گرا باشد.

در اين راستا، رويکرد محبت اهل بيت عليهم السلام که به ويژه در حوزه مذهب شناسي شيعي از ارزش و اهميت والايي برخوردار است، مي تواند به مثابه يك نظريه تربيتي و يك عامل تأثيرگذار در جهت گيري هاي معنوي انسان مؤمن مدنظر باشد.

### طرح مساله

حيطه عاطفه و تجلی آن در محبت که از مهم ترين جنبه هاي وجودي و از ويژگي هاي تأثيرگذار در زندگي آدمي است، از جمله حوزه هاي بين رشته ای است و از زواياي گوناگون قابل مطالعه است. مطالعات نشان می دهد که قابليت ها و ارزش های عاطفي از مناظر دين شناختي، روان شناختي، جامعه شناختي، حکمت متعاليه و عرفان تأمل برانگيز است. طرح محبت و دل بستگي به معصوم عليه السلام به طور خاص، به عنوان ضرورتی ديني و مذهبي ترديدناپذير و غير قابل انکار، بخشی از اين مطالعات است که به نوبه خود يك مقوله تربيتي تلقی مي گردد.

در دیدگاه اسلام، محبت اهل بيت عليهم السلام به عنوان یکی از فروع دين و مزد رسالت نبی اکرم تأکيد شده است و اين خود بيان عمق اين اصل و قابليت های

آن است، چنانکه خداوند فرمود: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری، ۲۳) در حالی که حکمت این ارزش‌گذاری کمتر بررسی شده است تا با پشتوانه عقلی و در فرآیند عملی در متن زندگی قرار گیرد. لذا طرح و بیان طریقه محبت و لایبی که مبتنی بر واقع‌بینی و حقایقت در نظام تعلیم و تربیت باشد، از دو جهت قابل تبیین است: یکی از این جهت که به‌عنوان اصل مهم تفکر دینی باید به نحو منطقی و عقلی آموزش داده شود و به نوعی راهبردی دینی محسوب می‌شود که خود به موفقیت تعلیم و تربیت و نهادهای آن اهداف دینی تعلیم و تربیت کمک می‌کند و از جهت دیگر، استفاده از تأثیرگذاری عاطفی در تضمین پذیرش ولایت و پیروی از آن‌ها یک نمونه عملی از استراتژی تربیت عاطفی است.

بنابراین، مساله پژوهش عبارت است از "تبیین مساله محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) به‌عنوان یک استراتژی تربیتی در ساختاری منسجم با مبانی و اصول تربیتی و روش‌های کاربردی خاص که قابلیت اجرایی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی را دارد" و در این راستا به دو سؤال فرعی نیز می‌پردازد؟

۱. اهمیت و جایگاه محبت در اسلام کدام است؟

۲. مبانی علمی محبت و عاطفه در تعلیم و تربیت چیست؟

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی - استنتاجی بوده که طی آن سور و آیات و احادیث قرآن کریم به‌عنوان اسناد اولیه بررسی شده‌اند؛ لذا در مرحله نخست، آیات و احادیثی که دارای مضامینی درخصوص توسعه محبت بودند، شناسایی و طی چهار موقعیت از جمله، آدرس، متن عربی، متن فارسی و زمینه مصداقی در تفسیرهای مختلف با رویکرد تربیتی بررسی شده‌اند. در مرحله دوم، نتایج دسته‌بندی شده و سعی بر آن بوده تا این اندیشه دینی به‌صورت کاربردی در قالب یک نظام تربیتی، منسجم و معرفی گردد.

## چارچوب و مبانی نظری

### ۱- رویکرد اسلام به محبت

بررسی جایگاه محبت در دین روشن می‌کند که محبت به‌عنوان عاملی مهم به‌صورت تکوینی و تشریحی در جهان خلقت مطرح است. توجه به این موارد در نظام تکوین و تشریح نشان‌دهنده قابلیت و توانمندی این عامل در تعلیم و تربیت و رشد انسانی است.

### ۱-۱- جایگاه محبت در فلسفه وجودی جهان خلقت

پایه‌گذاری بنیان نظام هستی بر اساس محبت از جمله موارد مهم قابلیت‌های محبت است. در حدیث قدسی آمده است: «كُنْتُ كَنْزاً مَحْفِيّاً فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أُعْرَفَ»<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۴۴). اولین نکته در محتوای این حدیث استقرار بنای نظام هستی بر اساس حبّ الهی است. ملاصدرا در حکمت متعالیه بر این اساس به اثبات این امر پرداخته که «عشق و حیات»، دو یار جدانشدنی از موجودات هستند و در یکایک آن‌ها سریان دارند؛ بنابراین استدلال، محبت و مهربانی واقعیتی است که منشأ تکوینی دارد و سراسر هستی را فرا گرفته است و اگر پراکندگی، انفصال و واگراییدر آن مشاهده می‌گردد، امری عارضی و غیراصلی است، نه یک امر ذاتی در کُنه هستی (ملاصدرا، ۱۳۶۰: ۱۴۸-۱۴۷). این دل‌بستگی که در ذات و گوهر اشیاء نهفته است، اصل ذاتی آن، نسبت به خالق یکتا بوده و گرایش محبت‌آمیز نسبت به دیگر مخلوقات هم در همین پرتو مشاهده می‌گردد. این گرایش ذاتی به

۱- من گنج نمان بودم، دوست می‌داشتم شناخته شوم، پس مخلوقات را آفریدم تا شناخته شوم.»

خداوند، در واقع، توأم با احساس نیاز، فقر و وابستگی است و همین امر، علت اصلی و راز همراهی دائمی، همیشگی و تکوینی خالق با مخلوق را در بردارد که در اصطلاح فلسفی به آن «معیت قیومیه» اطلاق می‌گردد و به تعبیر قرآن کریم ﴿هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ﴾<sup>۱</sup> است.

## ۱-۲- جایگاه محبت در فلسفه وجودی انسان

محبت در خلقت انسانی از چند جهت، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده و بر اساس این ویژگی‌ها کاربرد تربیتی آن توصیه شده است.

پاسخ‌گویی به نیاز فطری: در میان موجودات عالم، انسان به لحاظ وجودی، روحی و معنوی، بیشترین ارتباط و سنخیت را با خداوند هستی دارد؛ پس محبت او به آن نیز باید در بالاترین مرتبه باشد (فیض کاشانی، ۱۴۰۸: ج ۸/ ص ۲۵-۱۶)؛ زیرا هرچه تناسب و سنخیت دو موجود، بیشتر باشد، وابستگی و همگرایی بین آن‌ها نیز بیشتر است و از آنجا که انسان به‌عنوان مهم‌ترین جزء هستی، دارای فطرت و دوست‌دار توجه و محبت است، در دیدگاه اندیشمندان، عشق و محبت جوهره وجودی انسان و افعال و رفتارهای او بر مبنای آن تحلیل‌شدنی است. این فطرت حبی انسان به‌اندازه‌ای اهمیت دارد که عرفا آن را یکی از جنبه‌های اساسی فطرت انسانی می‌دانند (شاه‌آبادی، ۱۳۶۰: ۱۰-۶) و از آنجا که دوست‌داشتن چیزی یا از باب حسن و جمال یا به دلیل احسان است، بدیهی است که خداوند متعال با بالاترین درجه احسان و زیبایی، محبوب حقیقی فطرت انسانی بوده و جز محبت به جمال مطلق ذات لایزال او چیزی شایسته دوستی عمیق فطری او نیست.

لازمه حرکت در مسیر کمال: جهت دوم نقش محبت در فلسفه وجودی انسان، تأثیر آن در ارتباطات انسان است. در بدو امر، اولین ارتباط انسان با خویشتن تجلی می‌یابد. این ارتباط ذاتی، فطری و شهودی در یک سیر طبیعی با عشق به دیگران و عشق به خدا به کمال می‌رسد؛ زیرا صرف ماندن در خود، به آرامش و اطمینان واقعی نمی‌انجامد، در صورتی که نشانه اصلی معشوق آن است که با وصال به او، آرامش قلب به دست آید. پس باید آن را واسطه راه رسیدن به عشق برتر قرار داد؛ بنابراین، در این مسیر تکاملی، بالاترین درجه ارتباط انسان با خدا از نوع رابطه محبّ و محبوب است. در این رابطه، به‌طور متقابل خداوند نیز به‌خاطر حبّ ذاتش، مخلوقات خویش را دوست می‌دارد، همان‌طور که به جهت اینکه مخلوقات او، انعام حضرتش را پذیرفته‌اند، مورد محبّت اویند و هم‌چنین چون مخلوقات، هدایت خداوند را پذیرفته‌اند، حضرتش آن‌ها را دوست می‌دارد (طباطبایی، بی‌تا: ج ۱، ص ۴۱۱). این ارتباط، زمینه کمال روحی و ارتباط صحیح اجتماعی را فراهم و انسان را در مسیر کمال قرار می‌دهد.

لازمه هدایت انسان: محبت، علاوه بر تأثیرگذاری بر هدایت فرد، با قرارگرفتن انسان در مسیر ارتباطات چهارگانه، زمینه‌های هدایت را نیز ایجاد می‌کند. بهترین تبیین منطقی این تأثیر از آن جهت است که وجود عشق و محبت به کمال مطلق در نهاد و سرشت انسان، اثبات وجود خداوند در عالم هستی با توجه به فطرت عشق‌جوی انسانی است (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۱۵۸) و یکی از اصول تردیدناپذیر در شخصیت آدمی تأثیر عواطف، احساسات و گرایش‌ها در هدایت و سوق‌دهی پندارها، گفتارها و رفتارهای انسانی است.

اما نکته مهمّ آنکه بررسی رویکرد دینی نشان می‌دهد که بر اساس مؤلفه‌ها می‌توان محبت رشدهنده را از محبت‌های آسیب‌زا تفکیک نمود. بر اساس این

شاخص‌ها آن قسم از انگیزه‌های درونی و عاطفی که بر مبنای سه ملاک آگاهی، خردورزی و ارزش‌مداری توحیدی (فرهنگی و دینی) شکل می‌گیرد، عشق مطلوب یا مثبت است و می‌تواند زمینه ساز توسعه شخصیت انسانی و تعالی حیات جوامع بشری گردد.

در مقابل، قسم دیگر محبت که فاقد این خصایص و به‌طور ناقص از آن‌ها بهره می‌گیرد، نه تنها در شکل‌گیری و تکوین شخصیت انسان نقشی ندارد، بلکه دارای اثرات نامطلوب یا منفی بوده و آسیب‌زا است. این عشق می‌تواند موجبات درهم‌ریختگی و ناپهنجاری شخصیت انسانی و زندگی بشری را فراهم نموده و مسیر تکاملی حیات را با مشکلات و موانع جدی مواجه سازد.

از دیگر ویژگی‌های مهم عشق نامطلوب در انسان آن است که ناپایدار، زودگذر است و قابلیت آسیب‌پذیری فراوان دارد و صرفاً جنبه انفعالی، عاطفی و غیرفعال شخصیت آدمی را نشان می‌دهد و فرد را به‌سوی ارزش‌های کاذب، نسبی و زیبایی‌های صوری سوق می‌دهد. هم‌چنین از قدرت استدلال، برهان و عقلانیت انسان می‌کاهد.

## ۲- مبانی محبت اهل بیت علیهم‌السلام

در اسلام افزون بر توجه کلی به محبت، محبت اهل بیت علیهم‌السلام به‌عنوان محبت رشددهنده معرفی و تأکید شده و نقش اهل بیت علیهم‌السلام در عالم تکوین و تشریح علت این الزام است؛ بنابراین، شناخت جایگاه اهل بیت خود زمینه هدایت و رشد فرد شده و بخش الگوسازی تربیتی را فراهم می‌کند. این شناخت در دو حیطه بحث می‌شود:

نقش تکوینی اهل بیت: در قرآن کریم تعبیر به خلیفه الهی شده است که خداوند متعال از خلق آن، بر فرشتگان مباهات می‌کند: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾؛



به راستی من (خدا) در زمین، جانشین گذارده‌ام» (بقره، ۳۰) این انسان کامل، کسی نیست به جز پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت علیهم السلام که در تفسیر آیه ۲۳ از سوره شورا در قرآن کریم، در بیان مصداق «حسنه»، حب آنان، بهترین حسنه و والاترین نیکی‌ها شمرده شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۲۵۶).

در روایات متعدد از خود معصومان علیهم السلام، به نقش تکوینی آنان در عالم هستی و واسطه بودن آن‌ها در تمام نعمت‌هایی که از جانب رب العالمین افاضه می‌گردد، اشاره شده است. از جمله در دعای عدیله مأخوذ از کتاب مفاتیح‌الجنان نیز به‌طور خاص، راجع به امام زمان علیهم السلام، مطالبی آمده است که بر امامان دیگر نیز قابل تسری است: «بِبِقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَ بِيُؤْمِنُهُ رُزْقُ الْوَرَى وَ بَوْجُودُهُ ثَبَّتَ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ» (قمی، ۱۳۷۶: ۱۳۸). هم‌چنین در عالم تکوین، فرشتگان الهی واسطه ابلاغ و ایصال نعمت‌های خداوندی هستند و از سوی دیگر، معصومان به عنوان وسائط فیض، معرفی شده‌اند. این بدان معنا نیست که معصوم و ملائکه الهی در عرض هم قرار دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۵۱ و ۱۷۶)؛ بنابراین امام معصوم به عنوان انسان کامل، وجود جامع و دارای همه مراتب و نشأت هستی و شایسته محبت است.

نقش تشریحی اهل بیت علیهم السلام: کامل شدن دین الهی و تمامیت نعمت‌های ربوبی بر مسلمانان و مؤمنان، جز به واسطه این ولایت، صورت نمی‌پذیرد؛ زیرا بین حقایق سه‌گانه اسلام، قرآن و اهل بیت علیهم السلام، پیوند و ارتباطی همیشگی، فعال و انکارناپذیر و از نظر عرفانی، نوعی وحدت وجود دارد. پیامبر در این باره می‌فرماید: «أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبِّي وَ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي» (امین‌زاده، ۱۳۷۸: ۹۷). به

۱- به بقای او، دنیا باقی است. به برکت او، خلایق روزی می‌خورند و به وجود او، آسمان و زمین با بر جا است.

همین دلیل، در جنبه‌های گوناگون شخصیتی، فردی و اجتماعی، جسمانی و روانی و عقلانی و اخلاقی، به‌عنوان يك الكوی جامع تأثیرگذار هستند؛ لذا مودت آن‌ها تضمین رعایت این الكوی رفتاری است.

### ۳- مبانی علمی توجه به محبت

در رویکرد علمی به جایگاه محبت و تأثیر آن در منش و رفتار انسان، قابلیت‌های دیگری از محبت مدنظر است و امروزه تحلیل و بررسی بُعد عاطفی بشر و تأثیر آن در رفتارهای انسان، به‌اندازه‌ای قابل توجه و مهم به نظر می‌رسد که دانشمندان زیادی درباره آن، به ارائه نظریه پرداخته‌اند. طرح هوش عاطفی، نقش مهمی در آگاهی انسان درباره عواطف و مدیریت آن، برانگیختن خود، شناسایی عواطف دیگران و تنظیم روابط با دیگران دارد و به‌عنوان يك ویژگی یا خصیصه شخصیتی به حساب می‌آید.

امروزه اندیشمندان حوزه علوم تربیتی و روانشناسی بر اساس تحقیقات، بر این باورند که هوش عاطفی بهترین عامل پیش‌بینی موفقیت در زندگی است و از این نظر، گوی سبقت را از هوش ذهنی (IQ) و سایر مهارت‌های ذهنی ربوده است. (مایر، ۱۳۸۳: ۴۷).

به‌طور کلی در این نظریات، احساس و عاطفه حلقه واسط بین فرآیندهای ذهنی هم‌چون تفکر و رفتارهای مشهود او تلقی شده است، به‌طوری که بر این اساس تصورات، شناخت‌ها و ادراکات فردی درباره خود و دیگر حقائق عالم هستی می‌تواند موجب پیدایش حالات، عواطف و احساسات متفاوت شده و بر مبنای آن، فرد را به اعمال و رفتارهایی خاصی سوق می‌دهد. افزون بر این موارد، مطالعات مربوط

به جنبه‌های عاطفی شخصیت، اقناع و ارضای صحیح نیازهای عاطفی و ارتقاء سطح عاطفی انسان‌ها، نشان می‌دهد که این مؤلفه‌ها با عوامل دیگری هم‌چون برقراری روابط صمیمانه، توانایی برآورد دقیق افکار و احساسات دیگران (هم‌دلی صحیح)، تعلیم و تربیت، پیشرفت شغلی و اصلاح مدیریت رابطه مستقیم دارد (سیاروچی، فورگاس و مایر، ۱۳۸۳).

بنابراین محبت می‌تواند بر قضاوت‌های اجتماعی دربارهٔ دیگران تأثیر بگذارد؛ لذا تأمین صحیح و منطقی نیازهای عاطفی در مسیر صحیح، نقش مهمی در خودشکوفایی و فعلیت یافتن هرچه بیشتر استعدادهای انسان ایفا می‌نماید و حتی در این زمینه، اهمیت آن از جنبه‌های شناختی و ادراکات ذهنی فرد نیز بیشتر است.

#### ۴- مولفه‌های تربیتی استراتژی محبت اهل بیت علیهم‌السلام

با توجه به این مبانی علمی و مذهبی و ملاک‌های محبت رشدهنده و آسیب‌زا و با عنایت به تأکیدات دینی بر محبت اهل بیت علیهم‌السلام یک ساختار تربیتی منسجم به ترتیب زیر تبیین شدنی است:

#### ۴-۱- اهداف نظریه تربیتی محبت اهل بیت

در نظام تربیتی اسلام، غایت نهایی آفرینش انسان، آخرین و برترین هدف تربیت آدمی نیز است. اگر انسان، تکامل‌پذیر و تعالی‌خواه است و در وراي خلقت حکیمانه او نیز مقصد و مقصودی نهفته است که توان دست یازیدن به آن، در سرشت و بنیاد او نهاده شده و تمام شرائط و زمینه‌های لازم برای او

فراهم گردیده است، پس در بستر حیات مادی و معنوی خویش، راه معقولی جز پیمودن مسیر تربیت و طی نمودن طریق هدایت، برای او متصور نیست.

از ضرورت‌های بدهی و انکارناپذیر این حرکت، انجام درست و خردمندانه فرآیند کلی آن، یعنی شناخت، انتخاب و عمل است. آن عنصری که در بدو امر، به این مراحل سه‌گانه، معنا و مفهوم می‌بخشد و آن را متعین می‌سازد، اخذ راهبرد یا «استراتژی حیات انسانی» است. شناخت و گزینش این راهبرد و گام‌نهادن در مسیر آن، می‌تواند تربیت‌یافتگی انسان را تضمین نماید. این راهبرد بر مبنای آیات و روایات، حبّ الهی و محبتّ به خدا معرفی شده است؛ بنابراین، بر اساس این تفکر توحیدی، حصول تربیت و رسیدن به قله‌های بلند آن، بدون احساس تعلق و وابستگی درونی به خداوند سبحان و برترین نمودها و تجلیات او یعنی معصومان علیهم‌السلام، امکان‌پذیر نیست، چنانکه فرمود: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری، ۲۳)

لذا هدف تربیتی مترتب بر این مبانی، راهیابی به غایت و هدف نهایی تربیت در تغییر رفتار و منش فرد به شاکله الهی است و از آنجا که تربیت اسلامی شناخت خدا به‌عنوان ربّ یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به‌عنوان ربّ خویش و تن‌دادن به ربوبیت او و تن‌زدن از ربوبیت غیر تعریف شده است (باقری، ۱۳۸۰، ص ۴۴)، انسانی که مشتاق پیمودن طریق تربیت است، باید از مراحل سه‌گانه شناخت ربوبی خداوند (مالکیت و تدبیر)، انتخاب و گزینش او به‌عنوان ربّ خویش و عمل به این گزینش به‌صورت تن‌دادن به ربوبیت خدا و تن‌زدن از ربوبیت غیر، گذر نماید.

برای پیمودن این مسیر و وصول به هدف غایی حیات و تربیت، مؤثرترین روش، همان محبتّ به خداوند است و از آنجا که دست‌یابی به این امر به

وسائط احتیاج دارد، قرآن تنها راه دست‌یابی به محبت، مودت و متابعت اهل بیت است؛ زیرا محبت الهی در این گروه از محبت‌های ارزشی به‌نحو مطلوب متجلی می‌گردد؛ لذا این محبت را می‌توان به‌عنوان جهت‌گیری اساسی در زندگی مطلوب و حیات معنوی انسان به‌شمار آورد. زیرا تمام حرکات، سکنت و رفتارهای انسان را تحت تأثیر قرار داده و می‌تواند آدمی را به هدف غایی و قرب الهی نائل گرداند و در مراحل عمده فرآیند تکامل‌یافتن انسان یعنی شناخت، گزینش و عمل، مهم‌ترین نقش را برعهده داشته باشد.

#### ۴-۲- اصول تربیتی استراتژی محبت اهل بیت علیهم‌السلام

در منابع دینی و ادبیات شیعی، ویژگی‌ها و خصائص فراوانی برای موضوع «محبت اهل بیت علیهم‌السلام» ذکر شده است که به‌صورت اصولی مبتنی بر این مبانی در فرآیند تربیتی این استراتژی ثابت است.

اصل تعیین حیطه و سع: این اصل ناظر بر تعیین میزان توانمندی انسان در دست‌یابی و اتصاف به ارزش‌های شرعی است. به‌طور کلی، در فرآیند تربیت، انتظار می‌رود که ارزش‌های اعتقادی و رفتاری خاصی در شخصیت انسان شکل گرفته و ظهور و بروز یابد. این ارزش‌ها باید متناسب با توانایی فرد بوده و بتواند متعلق اراده و اختیار او واقع شود.

در فرآیند تربیت مقوله محبت به‌ویژه هنگامی که به موضوعات واقعی، عقلانی، مقدس، سرنوشت‌ساز و ضروری اختصاص یابد، این انتظار به‌صورت مضاعف می‌تواند مورد طلب و تقاضا متری قرار گرفته و گرایش و عزم و اراده او را به خود جلب نماید.

لذا با عنایت به نقش اساسی اهل بیت علیهم السلام در عالم هستی و شریعت الهی و خصوصیات منحصر به فردی که برای این بزرگواران مطرح شده، خداوند متعال در قرآن کریم، ارادت و محبت در خصوص عترت و اهل بیت را از زبان پیامبرش از مردم طلب نموده است. نکته مهم اینکه با براهین عقلی و نقلی مشخص می‌گردد که مطالبه مؤدت و محبت آنان از مردم در این آیه کورکورانه و اجبار محض نیست؛ بلکه به صورتی است که تنها اندک شناختی در خصوص آنان کافی است که آدمی را به سوی آنان سوق دهد.

اصل تبیین اهداف قابل حصول: انسان افزون بر آنکه به مقتضای فطرت خود، به نیکان و بندگان مقرب خدا، گرایش ذاتی دارد، بر اساس مبانی اسلامی، محبت اهل بیت در ذات خود نیز انگیزه بیشتری را ایجاد می‌کند؛ زیرا روشن است که این مودت و همسانی امری ممکن الوقوع و دست‌یافتنی است؛ زیرا امر الهی به آن تعلق گرفته است و اگر تحقق آن ممکن و محتمل نبود، موضوع دستور خداوند واقع نمی‌شد.

اصل عینیت‌بخشی به حب الهی: معصوم علیه السلام از آن جهت محبوب قلب مؤمن است که عبد حقیقی و برگزیده خداوند است و فیض الهی به واسطه او به خلق می‌رسد. اهل بیت علیهم السلام در ذات خود، موضوعیت ندارند و طریق به‌سوی او هستند. آنان نه تنها راه حق را می‌نمایانند و ارائه طریق می‌کنند، بلکه دست مشتاقان را نیز می‌گیرند و به منزل و مقصود نهایی می‌رسانند و ایصال به مطلوب را تحقق می‌بخشند. در قرآن کریم آمده است که ﴿إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ (آل عمران، ۳۱) و بدیهی است که پیروی از پیامبر همانا پیروی از معصومان است که در کتاب الهی با عنوان «اولی الامر» آمده است (نساء، ۵۹)؛ لذا آنان ابواب الهی و صراط مستقیم هستند که آدمیان را به

هستی بخش خود پیوند زده، به لقای او واصل می‌نماید. در روایتی از پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فلسفه وجودی محبت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و جانشینان او یعنی ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، حُبّ الهی معرفی شده است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۲۳۶). افراط و تقریب در این مقوله و نیمودن طریق اعتدال، از آفت‌هایی است که می‌تواند مرتبی را از دست‌یابی به مقصد نهایی و بهره‌مندی از ارزش‌های تربیتی محبت این بزرگواران باز دارد.

اصل ارتقاء شناختی درک و فهم حقیقت دین: در زیارت جامعه کبیره، خطاب به آنان می‌گویند که «هر کس از طریق شما روی گرداند، از دین خدا خارج گشته است و هر کس که با شما و شریعت شما همراه باشد، به حق واصل شده است.» (قمی، ۱۳۷۱: ۹۰۴). در حدیثی از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ، در ذیل آیه ۲۵۶ از سوره بقره به مودت و محبت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ تأکید شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۴/۲۴). بر اساس این آیه، چنگ‌زدن و تمسک‌جستن به ریسمان مستحکم الهی، به معنی قرارگرفتن در بستر تربیتی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است. در تحقق تربیت به مفهوم دینی آن، مهم‌ترین مؤلفه، درک حقیقت طریقتی و سپس پیمودن آن طریقت که شریعت می‌نمایاند، است. اگر محتوای واقعی دین و مبنایی‌ترین اصول آن شناخته نشود، تمام فعالیت‌ها و اقدامات تربیتی، بی‌حاصل خواهد ماند و مقاصد آن عملی نخواهد شد.

از محتوای برخی از آیات قرآن کریم و تأویل و تفسیر تعدادی بیشتری از آن‌ها و هم‌چنین از روایات متعدد و شاید در حد تواتر، بر می‌آید که تنها راه نجات و سعادت انسان‌ها، محبت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و پذیرش عملی لوازم آن است؛ زیرا واقعیت دین خدا و جان و روح و حقیقت شریعت رسول خدا نزد آنان است و هر طریقتی غیر از طریق آنان، ضلالت و گمراهی است.

اصل ارتقاء فهم هدفمندی آفرینش: آفرینش انسان به عنوان برترین مخلوق خداوند، عبث و بیهوده نیست. همان گونه که در مبحث «هستی‌شناسی معنوی» مطرح گردید، بر مبنای بینش توحیدی قرآن، آفرینش آسمان‌ها و زمین و از جمله انسان، «حق» بوده است (انعام، ۷۳)، چنانکه بیهوده و بی‌حاصل بودن خلقت انسان نیز به طور جداگانه و با تأکید، نفی شده است (مؤمنون، ۱۱۵) و در عین حال، انسان به عنوان جانشین خداوند در روی زمین مطرح است.

لازمه این دو ویژگی خلقی انسان (عدم بیهودگی و جانشینی خدا) آن است که او به عنوان «امانت‌دار الهی» شناخته شود و برای پیمودن راه تکامل و تربیت که هدف غایی خلقت انسان است، توجه تام به این امانت و مراقبت و رعایت کامل آن ضروری به نظر می‌رسد. در برخی روایات مأخوذ از معصوم علیه السلام، مصداق امانتی که در قرآن (نساء، ۴ و احزاب، ۳۳) مطرح است و باید سالم و بدون کاستی به اهل آن بازگردانده شود، به عنوان ولایت و امامت ائمه اطهار علیهم السلام معرفی شده است که لازمه تحقق عینی آن، مؤدت و محبت اهل بیت علیهم السلام است. در زیارت جامعه نیز از آن‌ها به عنوان «الامانه المحفوظه» یاد شده است.

اصل ارتقاء درک ارزشی: در فرهنگ دین، کار نیکو مصادیق بی‌شماری دارد. هر عملی برای کسب رضای الهی انجام شود، عبادت و از نیکی‌ها شمرده می‌شود. وظیفه عمده يك مربی نیز آن است که افراد تحت تربیت خود را با منابع ارزشی و خیرهای بنیادی آشنا گرداند تا بتوانند به آن‌ها دست یابند. از قرائن و شواهد عقلی و نقلی بر می‌آید که افضل اعمال، منشأ خیرات و برترین حسنات، محبت اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌آید. در فراز دیگری از زیارت جامعه کبیره، این



حضرات به عنوان آغاز و پایان، اصل و فرع و معدن و غایت مطلق خیر، توصیف شده‌اند.

اصل ضرورت و الزام: محبت اهل بیت علیهم‌السلام فقط امری راجح و شایسته نیست که بود آن بهتر از نبود آن باشد؛ بلکه حکمی قطعی، انکارناپذیر و لازم است که وقع نهادن به آن، انسان را در دنیا به ضلالت و در آخرت به هلاکت می‌افکند. در لسان روایات، از حب اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان بالاترین عبادت‌ها یاد شده است: «أَنَّ فَوْقَ كُلِّ عِبَادَةٍ عِبَادَةٌ وَ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ» (حجازی، ۱۳۷۳: ۱۵۰).<sup>۱</sup> هم‌چنین در روایتی از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده است که «نخستین مطلب مهم و اساسی که پس از مرگ، از بندگان خدا سؤال می‌گردد، حب و دوستی ما اهل بیت است.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۸)؛ بنابراین، در نظام تربیتی اسلام، انسان تربیت‌یافته از امام، باید در مسیر محبت الهی قرارگیرد و در پرتو مودت اهل بیت به آن راه یابد.

اصل تکامل‌پذیری: در قرآن کریم، افزایش محبت به خدا (و به تبع آن در خصوص معصوم)، منوط به ارتقاء سطح باور دینی و ایمان مذهبی آدمی دانسته شده است: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَتَدُّ حُبَّ اللَّهِ﴾ (بقره، ۱۶۵). اگرچه اصل تکوین و ایجاد محبت ممکن است در برخی مواقع، از روی برنامه‌ریزی، تصمیم و اراده نباشد، اما از آنجا که حقیقتی است تحول‌پذیر و قابل تنظیم، تا حدود زیادی حفظ و بقای آن، ارادی و قابل افزایش و کاهش است و لذا تداوم آن، دشوارتر از اصل وجود آن است و نیاز به انگیزش و تقویت دارد.

با بررسی، تدبر و شناخت بیشتر و دست‌یابی به مراتب والای معرفت و ایمان، عشق و گرایش انسان به معصومان علیهم‌السلام، عمیق‌تر می‌گردد و در غیر این

۱- بالاتر و ارزنده‌تر از هر عبادتی، عبادتی دیگر است و دوستی و مودت عترت پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، بالاترین عبادت‌ها است.

صورت، امکان دارد زوال و نزول یابد. يك مربی همواره باید از عوامل انگیزشی کافی برای ایمان‌افزایی و جذب بیشتر افراد به برترین و مقرب‌ترین بندگان خدا استفاده نماید.

اصل ارزش‌محوری: ساختار دین متشکل از ابعاد سه‌گانه اعتقادات، احکام و اخلاق است. اصول اعتقادی، مبنا و مأخذ احکام دین و رفتارهای اخلاقی تلقی می‌گردد و زمانی می‌توان آن را مطلوب دانست که آدمی آن را با رفتارهای مذهبی و عمل صالح، قرین نماید. در اصول اعتقادی نیز اصل توحید، مبنایی‌ترین و عمده‌ترین اصل شناخته می‌شود و اصل‌های دیگر هم‌چون معاد، عدل و امامت نیز ارزش و اعتبار خود را از آن اخذ می‌نمایند. اصل امامت و ولایت و سرّ آن یعنی محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز از نظر ماهوی تنها يك واقعیت درونی، عاطفی، نظری و ذهنی نیست؛ بلکه می‌تواند موجد و باعث ویژگی‌های رفتاری و صفات شخصیتی مطلوب گردد و به لحاظ توحیدی‌بودن، می‌تواند انسان را به قرب الهی رسانده و خداگونه‌تر نماید. تفاوت این اصل با اصل ارتقاء ارزشی آن است که در اصل قبلی آنچه برای متریب ایجاد می‌گردد، گسترش دایره اعمال نیک به زمینه‌های مختلف زندگی و حتی امور روزمره است که به سبب تعالی و رسیدن به ارزش‌های بالاتر انتخاب می‌گردد؛ اما در این اصل به ارزش خود امامت به‌عنوان اصول اعتقادی پرداخته می‌شود.

#### ۴-۳- روش تربیتی

اگرچه این احساس محبت و گرایش در متریب، درخصوص ارزش‌ها و کمالات انسانی، در تمام روش‌های تربیتی، هر کدام به‌گونه‌ای وجود داشته و به‌وسیله مربی، در موارد گوناگون و به‌ویژه در گام‌های آغازین تربیت، استفاده

می‌شود؛ اما برجستگی و تأثیر آن در روش الگویی یا اسوه‌سازی بیشتر است؛ زیرا یکی از مهم‌ترین راهکارهای تربیتی به‌خصوص در تربیت اخلاقی، ایجاد افق دید از هدف برای فراگیر و نشان‌دادن تجسم عملی یک ارزش است.

استراتژی محبت اهل بیت علیهم‌السلام بر این منطق استوار است که جاذبه شخصیتی اهل بیت و عشق به آن‌ها، گرایش به هم‌سوسازی زندگی و همانندسازی در منش و رفتار فرد ایجاد کند. این بدان معنی است که این استراتژی در عمل باید به نقطه‌ای ختم گردد و در زندگی فرد، تجزیه و تحلیل حیات فردی و اجتماعی انسان، هدف‌گذاری‌ها، پایه‌گذاری جهت‌گیری زندگی آدمی، تعیین و تدوین شیوه‌ها و راهکارهای عملی و بسترسازی، اجرا و کنترل آن‌ها، همه‌وهمه باید با توجه به این راهبرد و سیره نظری و عملی معصومان علیهم‌السلام انجام پذیرد؛ زیرا تنها حصول رضایت آنان از طریق محبت توأم با عمل است که معاصی و گناهان را برطرف می‌نماید و انسان را به راه حق باز می‌گرداند.

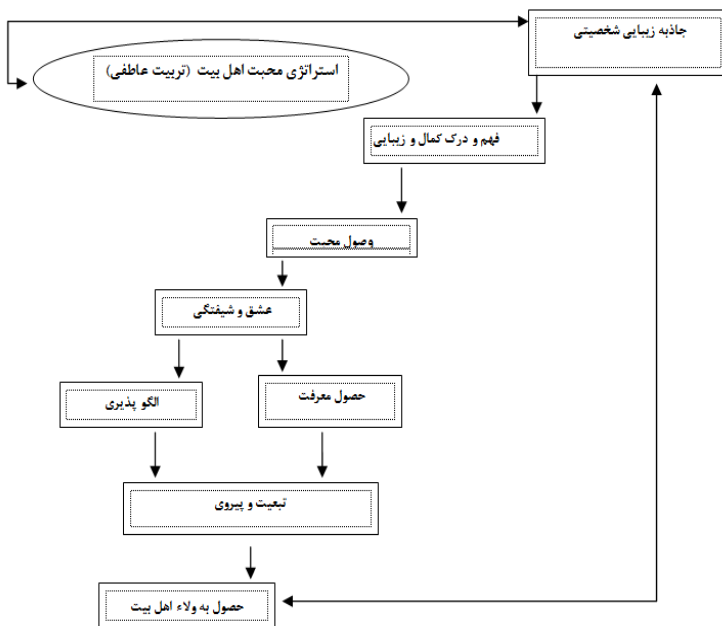
به همین دلیل، برخی از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت آن را بهترین و مؤثرترین روش تربیت و تغییر رفتار می‌شمارند. هم‌چنین با استناد به آیه شریفه ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾؛ به‌راستی که پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، نیکوترین الگو برای شما است»، می‌توان آن را یک روش اساسی در تربیت قرآنی دانست. این روش تأکیدی بر دقت در روش‌گزینش یک مربی بر مبنای عقلانیت و خردورزی و با توجه به فطرت و عواطف زلال شاگردان خویش است. مفهوم «فرآیند الگوپذیری از معصوم علیهم‌السلام» از آن نظر اهمیت دارد که تجلی و تبلور توحید عملی در زندگی دنیوی انسان به‌شمار می‌آید.

از منظر دین، تربیت از تفکر توحیدی سرچشمه می‌گیرد و با التزام عملی هر چه بیشتر به توحید و ربوبیت حق تعالی، تکامل می‌یابد. تبعیت و الگوپذیری از معصوم، در حقیقت همانا طی نمودن مراتب توحید است که مرتبه کامل و جامع آن در وجود نورانی معصومان علیهم‌السلام به ظهور رسیده است و با تحقق این امر در شخصیت آدمی، او نیز صبغه توحید به خود می‌گیرد. پس تحقق این مفهوم به این معنا است که تربیت معنوی از توحید آغاز شده و به معصوم علیه‌السلام ختم می‌گردد؛ البته باید توجه داشت که در این راهبرد، مقوله محبت و عشق ورزیدن به آن‌ها از نظر ماهوی، تنها یک امر احساسی و عاطفی نیست، بلکه مبتنی بر عقلانیت، خردورزی و واقع‌نگری است؛ زیرا آنچه می‌تواند به طور حقیقی و پایدار، موجب این عشق، اشتیاق و شیفتگی نسبت به معصوم گردد، عنصر شناخت و کسب معرفت است و آنچه محبوب را در نظر محب، زیبا جلوه می‌دهد صرف وجود کمالات او نیست، بلکه آگاهی و شناخت درباره آن‌ها است.

به این ترتیب، محبتی که می‌توان آن را عامل اصلی الگوپذیری انسان از معصوم علیه‌السلام و التزام اعتقادی و رفتاری به شخصیت آنان معرفی نمود، تنها یک علاقه صوری و ظاهری نیست؛ بلکه به معنای این است که انسان شیفته سیرت آنان گردد و از معاندهای آن‌ها، اعلام براءت و بیزاری جوید و این، همان مسئله «تولّی و تبرّی» است که از اجزاء واجب فروع دین و سرّ ولایت محسوب می‌گردد.

در این روش تربیتی، محبت را می‌توان مؤثرترین مرحله از فرآیند تربیت تلقی نمود که مبتنی بر معرفت‌شناسی و آگاهی‌یافتن از شیوه‌های گوناگون کسب معرفت است. در پی آن، مربی الگوپذیر شده و با تبعیت و گردن‌نهادن به

اشارات و ارشادات محبوب، به کاروان انسان‌های تربیت‌شده، به ترتیب جدول شماره ۱ ملحق می‌گردد؛ بنابراین، مناسب‌ترین مفهوم برای تربیت اخلاقی و اجتماعی، «الگوپذیری از معصوم» است که در حوزه معرفت شیعی، راهبرد در مسیر عبودیت به شمار می‌رود.



جدول شماره ۱: فرآیند اجرایی استراتژی محبت اهل بیت علیهم‌السلام منبع مولفان

## ۵- کارکردهای تربیتی محبت اهل بیت علیهم‌السلام

بر اساس سیر روش تربیتی الگوسازی، کارکردهای تربیتی محبت اهل بیت علیهم‌السلام را می‌توان با استناد به آیات و روایات، در عناوین زیر خلاصه نمود:  
 متابعت: محبت بدون پیروی، اندیشه‌ای خیال‌پردازانه، وهمی غیرواقعی و بیهوده و ادعایی بی‌حاصل است. با گام‌نهادن در مسیر محبوب و دست‌یافتن به

پیامدهای مثبت آن، میزان و چگونگی محبت و اشتیاق محب نسبت به محبوب مطلوب تر می‌گردد. در قرآن کریم، از دوست‌داران حق انتظار می‌رود که از رسول او و اهل بیت علیهم‌السلام ایشان پیروی نمایند. این تبعیت، همانا استفاده از تمام توانایی‌ها و استعدادها در به انجام رساندن مقاصد مدنظر خدا و رسول، حرکت در مسیر صحیح دنیوی و اخروی است. محبت نسبت به آنان، گاهی به‌طور ناخودآگاه نیز انسان را هدایت می‌کند؛ زیرا موجب آن می‌شود که گوش، چشم و قلب خود را بر هر چیز غیر از آنان یا بر طریقی غیر از طریقت آنان، فروبندد و عملاً از معاندان و خصم‌های آنان برائت جوید.

تکامل تکوینی و تدریجی: محبت، پدیدآورنده نوعی وحدت در اندیشه، گفتار و رفتار است. هر میزان این محبت عمیق‌تر باشد، این یگانگی کامل‌تر است. در هر صورت، آدمی به اندازه ظرفیت وجودی خویش می‌تواند با محبوب کامل، یگانه گردد و هیچ‌گاه نمی‌تواند به دلیل مراتب وجودی پایین‌تر، با تمام حقیقت آنان هم‌گون شود. انسان به اندازه سنخیت خود با آنان می‌تواند به تکامل ماهوی بیشتر دست یابد و از نظر معنوی، تربیت یافته‌تر گردد؛ البته چنانکه قبلاً اشاره گردید، خداوند در قرآن کریم، اطاعت از اهل بیت علیهم‌السلام را قرین محبت خود قرار داده است؛ بنابراین، تنها با پیروی از آن‌ها از روی عشق و علاقه می‌توان مثل یا مثل خداوند گردید.

توسعه و غنی‌سازی شخصیت: در قرآن کریم، پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله، به‌عنوان انسانی کامل و اسوه حسنه معرفی شده‌اند: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (احزاب، ۲۱). این حکم درباره اهل بیت علیهم‌السلام، به‌عنوان جانشینان صادق ایشان نیز جاری است. این فرآیند آنگاه اتفاق می‌افتد که رشد و تکامل در تمام ابعاد و ویژگی‌های انسانی، به‌صورت هماهنگ و هدفمند حاصل گردد.

در غیر این صورت، انسان دچار پس افتادگی در شخصیت شده، به فقر شخصیتی مبتلا می‌گردد و این زمانی است که برخی از ابعاد وجودی آدمی در جهت اهداف متعالی، به فعلیت نرسد. ارضاء درست و منطقی نیاز به عشق و محبت در انسان و تأمین عاطفی او می‌تواند قابلیت آسیب‌پذیری شخصیت را به حداقل کاهش داده و موجبات انبساط خاطر، انسجام فکری و آرامش روانی مُحبّ را فراهم آورد.

فعلیت استعدادها: در اسلام حقیقی، ائمه اطهار علیهم‌السلام، بزرگ‌ترین مربیان تربیتی به‌شمار می‌آیند. آنان نه تنها برای انجام‌رساندن استعدادهای انسانی آمده‌اند، بلکه بستر به کارگیری توانایی‌های آدمی را نیز مشخص نموده‌اند و این همان نکته ظریفی است که برخی از صاحب‌نظران، در تمایز بین مفهوم تربیت با مفهوم پرورش، به آن اشاره نموده‌اند، چنانکه تربیت مانند پرورش، تنها فعلیت‌دهی استعدادها نیست، بلکه بار ارزشی دارد و یک مربی تنها باید در جهت‌های مثبت و مطلوب، توانایی‌های متربی را رهبری نماید (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۶). و شاید تعبیر «ساسة‌العباد»، به معنای سیاست‌گزاران بندگان خدا که در فقره‌ای از زیارت جامعه کبیره آمده است، ناظر بر همین مطلب باشد. اگرچه می‌توان آن را بیشتر ناظر بر نقش تربیت سیاسی معصومان علیهم‌السلام نیز دانست؛ زیرا آنان با تبیین اصول سیاست دینی و اجرای صحیح آن، یکی از عمده‌ترین راه‌های هدایت و تربیت بشری را به انجام رساندند و با تبیین قرآن و اجرای احکام آن در حد توان خود، اهداف رسالت رسول خدا را پی‌گیری نمودند.

افزایش قدرت تحمل: طالب حقیقی کسی است که در راه وصال به مطلوب خویش، به‌ویژه هنگامی که او برترین و پاک‌ترین موجود هستی باشد، از

سختی‌ها نهراسد و تردید ننماید. او باید بر تمام رنج‌ها، نسبت‌های ناروا و دشواری‌های مسیر، صبوری کند که این صبر و استقامت، خود برترین پاداش‌ها را به دنبال دارد. آنچه بیمودن این راه را بر محب، سهل و شیرین می‌نماید، همان عشق و تعلق خاطر به محبوب و امیدواری برای رسیدن به حقیقت وجودی اوست. الگویی از آنان اقتضای آن دارد که مؤمن همانند خود آن‌ها در انتظار رفاه و آسایش کامل در زندگی دنیوی خود نباشد و به جای آن، آرامش حقیقی را طلب نماید که این آرامش با دشواری‌ها و ناهمواری‌های حیات مادی، سر ناسازگاری ندارد، بلکه لازم و ملزوم هستند.

عامل انگیزشی تربیت: افزون بر شناخت، آگاهی و آمادگی ابتدایی که برای گام‌نهادن در مسیر تربیت لازم است، عامل انگیزشی و تداوم‌بخش نیز ضروری است. این عامل باید در تمام منازل، خود را نشان دهد و بر عزم و تصمیم‌مندی بیفزاید. آنجا که این عامل، ماهیتی عاطفی و احساسی دارد و به‌ویژه هنگامی که پشتوانه آن، عقلانیت، تفکر و خردورزی باشد، تأثیری شگرف بر جا می‌گذارد. محبت اهل بیت علیهم‌السلام، حقیقی است که محبّ نه از روی گرایش‌های واهی و خودسرانه، بلکه بر مبنای بررسی، نیازسنجی و ایده‌شناسی، آن را گزینش نموده است؛ بنابراین، این محبت می‌تواند موجب عمل صالح گردیده، محب را تا سرمنزل مقصود رهنمون گردد. به‌ویژه آنکه عنایت ویژه و توجه خاص این بزرگواران بر محبان خود و امدادهای غیبی، از بزرگ‌ترین پاداش‌هایی است که در سراسر مسیر، آنان را پوشش می‌دهد و ادامه حرکت تربیتی آنان را به‌شدت تسهیل می‌نماید.

افزایش افق دید و اندیشه: مطلوبیت در رفتارهای ظاهری انسان تا حدود زیادی مرهون جامعیت و تعمق در فرآیندهای ذهنی و رفتارهای نهان است.



آنجا که انسان به تجدیدنظر و تحول در موضوعات و شیوه‌های تفکر خود مبادرت می‌ورزد و آن‌ها را بر مبنای استانداردهای عقلانی و دینی بهبود می‌بخشد، نگرش‌ها و باورهای او نیز سنجیده‌تر و پسندیده‌تر شده و در نتیجه، رفتارهای فردی و اجتماعی تکامل یافته و متعالی‌تری خواهد داشت.

با جایگزین نمودن محبت معصومان علیهم‌السلام، به‌عنوان مظهر عشق حقیقی خداوندی به‌جای عشق‌های کاذب و مجازی، انسان در مقام آن است که شیوه تفکر و اندیشه خود را نیز همانند آنان وسعت بخشد و بر مبنای بینش، بصیرت و آگاهی، تعبد محض نسبت به آنان را یک راهبرد تربیتی استراتژی حیات خود قرار داده و به شأن و مرتبه والای آنان، تقرب جوید. خود این بزرگواران نیز همگام با کتاب الهی، پیوسته به تفکر، خردورزی، مصلحت‌اندیشی، تحول‌گرایی و افزایش دائمی سطح عقلانیت انسان، توصیه نموده‌اند.

احاطه عقلانی بر تمایلات نفسانی: محبت واقعی به معصوم علیهم‌السلام با گرایش ذاتی و اصیل به محبوب‌های دنیوی و زیبایی‌های صوری و ظاهری در تقابل است. این بدان جهت است که در دل‌بستگی‌های دنیوی، خرد و قوای عقلانی بشر در تسخیر پدیده‌های مادی و نفسانی گرفتار می‌آید و در پی آن، سیر نزولی حرکت روح آدمی آغاز و تسریع می‌گردد. در پرتو عشق به اهل بیت علیهم‌السلام، زمینه برای آن فراهم می‌گردد که تمایلات نفسانی دوست‌داران آن‌ها، همانند خود آنان در حیطه کنترل و هدایت عقل آرام گرفته، در مسیر صحیح و مشروع از آن‌ها استفاده گردد. با افزایش این محبت، احاطه عقلانی بر این تمایلات نیز بیشتر شده، به تدریج دنیای وجود انسان از سرچشمه عقلانیت که تنها راه درک دیانت حقیقی است، بیشتر و بیشتر بهره خواهد گرفت.

## روحیه مسئولیت‌پذیری

اساسی‌ترین ویژگی معصوم آن است که عمق این حقیقت را دریافته و همواره خود را بدهکار و مدیون خالق و هستی‌بخش خویش دانسته و با تمام تاروپود خود آن را باور نموده است. آنان در مقام وحدت و فنا، اصلاً حقیقتی برای خویش قائل نبودند و خود و جهان را ربط محض و وابستگی صرف به او می‌پنداشتند و ظهور، قدرت و وجود حق تعالی را در تمام عالم وجود، شهود می‌نمودند؛ زیرا که تربیت‌شده او هستند. این بزرگواران همه هستی خود را نثار طریق توحید و عدالت نمودند و در این مسیر، لحظه‌ای از پاننشسته، از تمام امکانات و قابلیت‌های خود بهره گرفتند. با تعلق خاطر و دل‌بستگی حقیقی به اهل بیت علیهم‌السلام و تفکر و تدبر در آثار و احوالات آنان و نظر نمودن در سیره معصومین علیهم‌السلام، این ویژگی و خصلت عظیم، به پیروان و دوست‌داران آنان نیز انتقال خواهد یافت و به‌اندازه ارادت خود از یک سو و قابلیت‌های ذاتی و اکتسابی خود از سوی دیگر، واجد صفت ایثار و از خودگذشتگی خواهند گردید. (خط تیره‌های داخل جدول)

پیامدهای تربیتی				کارکرد های تربیتی	ویژگی های تربیتی
قیامت	بروز	حین مرگ	دنیوی		
- رسگاری	- تنها نبودن در قبر	- بشارت بر بهشت	- معرکه‌ها	- شایستگی	- ارادی و در حیطه وسیع آدمی
- پاکیزگی از گناه	- فتح باب از قبر به سوی بهشت	- مشاهده اهل بیت در زیباترین صورت	- استعجاب دعا	- تکامل تدریجی	- دست یافتنی و قابل حصول
- اولویت برای ورود در بهشت	- زیارت ملائکه بر قبر او	- ایمان کامل	- باعث هدایت	- توسعه و غنی‌سازی شخصیت	- دورنی و برونی
- ثبات قدم بر سراط الهی	- مشمول رحمت و سعادت الهی	- مشمول غفران الهی	- زوال فقر و نیازمندی	- جهت‌دهی و فعلیت استعدادها	- مظهر حب الهی
- سنگین بودن اعمال نیک در میزان الهی	- حذف یا تخفیف عذاب الهی	- مشاهده جایگاه بهشتی خود	- مانع گناه	- صبر در دشواری و لذت حیات	- حقیقت ایمان و واقعیت دین
- قبولی اعمال	- گشادگی و وسعت قبر	- مرگ توبه آمیز	- رهائی از بیماری‌های خاص جسمانی و روانی	- انگیزش و تمامیت	- امانت عظیم الهی
- محبت با اهل بیت (علیهم السلام)	- مشاهده علی (علیه السلام) در سراط	- مقام شهید	- دوستی حق تعالی	- وسعت و ژرف‌نگری اندیشه	- تعالی بخشش و الاثمین نیکو ها
- سبکی اعمال محاسبه اعمال		- بشارت بر بهشت	- برابری یک روز عبادت با یک سال	- احاطه عقلانی بر نفسانیات	- حکم واجب الهی
- دادرسی در سخت‌ترین لحظات		- مشاهده اهل بیت در زیباترین صورت	- گشایش باب معرفت الهی	- فعال‌سازی محبت	- تکامل پذیر و زوال پذیر
		- ایمان کامل	- دستیابی به نور، حکمت و ریسمان الهی	- وفا و ایثار	- منشأ صفات و رفتارهای اخلاقی

جدول شماره ۲: ترسیم فرآیند عملی مؤلفه‌های چهارگانه در تحلیل تربیتی اصل محبت اهل بیت (علیهم السلام)

## نتیجه گیری

مقوله محبت اهل بیت (علیهم السلام) در عرصه عالم تکوین و تشریح با مجموعه ویژگی‌های تربیتی و آثاری که بر آن مترتب است، اهتمام والایی در خصوص ارائه آن و بهره‌مندی انسان‌ها از پیامدهای مثبت آن، دارد؛ زیرا در حیات دنیوی، انسان ملزم است راهبرد اساسی و استراتژی حرکت زیستی خود را با الهام از مبانی اعتقادی و ارزش‌های نظری بنیادی که اصل و اساس آن، «توحید ربوبی» است، گزینش نموده و با قصد و نیتی مخلصانه، تقرب‌آمیز در میدان عمل، آن را به ظهور رساند. در راستای معرفی نظام تربیتی در قالب ساختاری

منسجم که مساله اصلی این پژوهش است، باید به یافته‌های دو سؤال فرعی اشاره و سپس به طرح این ساختار توجه کرد.

یافته‌ها در پاسخ به سؤال اول فرعی نشان می‌دهد که با بررسی منابع اسلامی و علمی درباره جایگاه و تأثیر محبت روشن می‌شود که اگرچه به‌طور کلی بُعد عاطفی وجود انسان با انواع و اشکال مختلف تجلیات مانند ترس، شادی، افسردگی، امیدواری و غیره مطرح شده است، به‌طور خاص و به جرأت می‌توان تجلی کامل آن را در مقوله عشق و محبت، به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین و برجسته‌ترین گونه‌های عاطفی شخصیت انسان جاری و ساری دانست. هم‌چنین جنبه عاطفی آدمی با بُعد عقلانی و اندیشه‌ای او ارتباط بسیار نزدیک و تنگاتنگ دارد و اگر گونه‌های اختیاری عواطف بر مبنای عقلانیت و خردورزی نباشد، آثار و نتایج منفی زیادی به همراه دارد.

نکته مهم در تربیت عاطفی مبتنی بر دین همراهی عقلانیت با عاطفه و حرکت از آن به طرف خردورزی است؛ اما توجه به هر دو رویکرد و شدت و ضعف تأیید و متعادل‌سازی رویکرد محبت روشن می‌کند که درباره محبت هم مانند هر مقوله دیگر تفکیک مسیر مثبت و منفی کاربرد آن الزامی است. محبت به‌طور کلی به دو بخش مهم رشددهنده و آسیب‌زا تقسیم‌شدنی است. بدیهی است که رویکرد مثبت مذهبی به محبت رشددهنده تعلق دارد؛ لذا در تمام مراحل زندگی مادی و معنوی انسان، محبت به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار تلقی و در مواقع و مواضع گوناگون می‌تواند انسان را به سوی کمال یا ضد آن رهنمون سازد؛ اما محبت بر مبنای توجیهی عقلانی و منطقی به سوی کمال است. با این رویکرد محبت و عشق به اهل بیت علیهم‌السلام را باید محبت کمال‌بخش دانست.

جامعیت الگویی ائمه اطهار علیهم السلام اقتضای آن را دارد که فرد پیر و با احساسی عمیق در تمام ابعاد و جنبه‌های شخصیت انسانی، آنان را اسوه خود قرار دهد و به غنای شخصیتی دست یابد. محبت این بزرگواران به دلیل آنکه تنها احساسی کودکانه، انفعالی، صوری و زودگذر نیست و واجد ارزش‌های واقعی و زیبایی‌های حقیقی و متعالی است، باعث تسهیل بروز رفتارهای مطلوب و بهنجار شده و مانع ایجاد وقفه در انجام وظائف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی می‌گردد. ضمن آنکه انسان می‌تواند پیوسته خود را با ملاک‌ها و ارزش‌های موجود در این اسوه‌های حقیقی، بسنجد و ارزیابی کند.

هم‌چنین در پاسخ به سؤال دوم فرعی، اشاره به این نکته ضروری است که استراتژی‌یی که روش استفاده از اسوه‌ها و به تعبیر دیگر روش الگویی در تربیت در آن همیشه حائز اهمیت بوده و هست، کارآمدی این روش از این جهت است که متربی با نمادهای کلامی، اخلاقی و شخصیتی و نمونه‌های عینی و مشهود آنچه مقصود و مطلوب است، مواجه می‌گردد و با زبان حال و نه قال، و در عمل نه در گفتار صرف و توصیه زبانی، رفتاری را که باید انجام دهد، می‌بیند و می‌فهمد و به سبب جذابیت بسیاری که در الگوها وجود دارد، راه برای تقلید و همانندسازی از رفتارها و منش الگو، هموار می‌گردد. امامت، ولایت و حُب به اهل بیت علیهم السلام در آموزه‌های دینی، در واقع، تبلور استفاده از روش الگوپذیری از معصوم است.

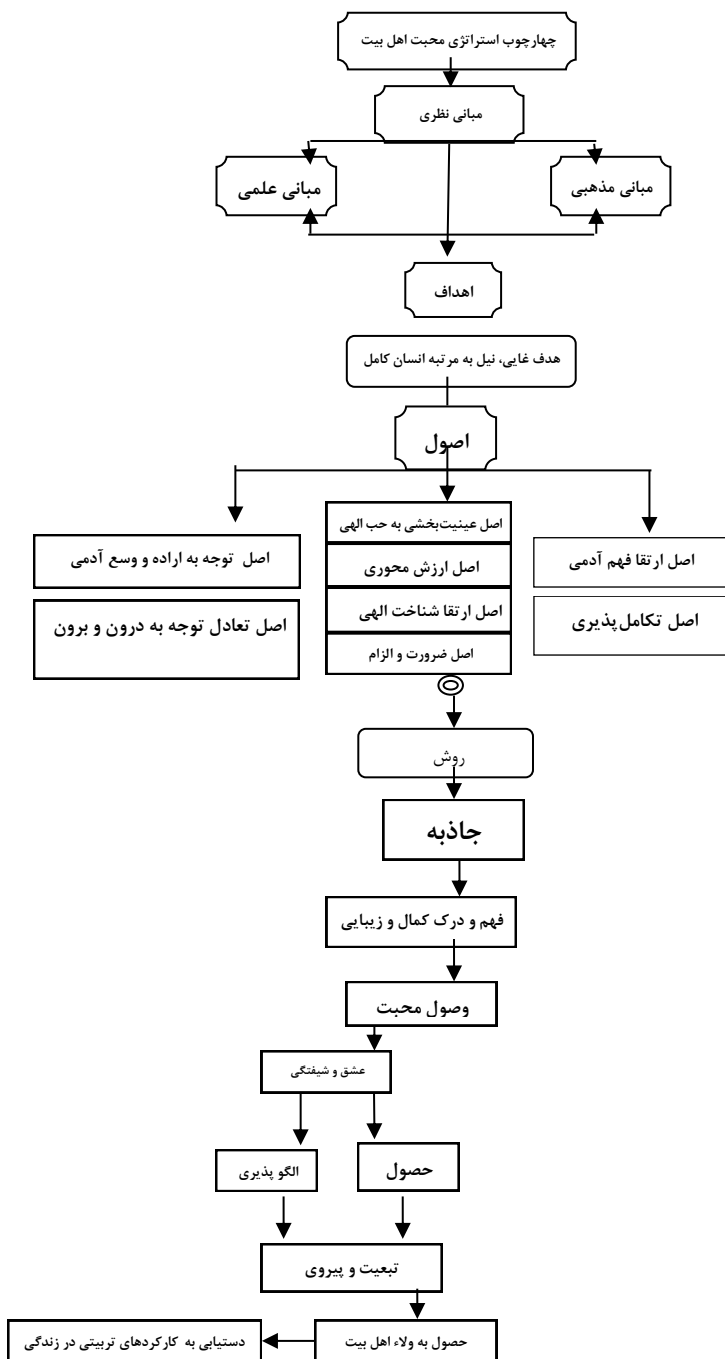
محبت واقعی و عقلانی به آنان، خود می‌تواند به منزله جزء اخیر علت تامه عمل نماید و تأسی کامل به آنان را باعث گردد. جامعیت الگویی دارای ابعاد سه‌گانه قول، فعل و تقریر است. به همین جهت، آنان در زمینه گفتارها، رفتارها و تأییدهایی که اعتبار آن‌ها در احادیث منسوب به آنان از نظر اسنادی و

محتوایی، به اثبات رسیده باشد، به عنوان شاخص‌ها و الگوهای اعتقادی - عملی و اخلاقی - تربیتی مورد ملاحظه و اتقیاد قرار می‌گیرند. این سه بعد، نشان‌دهنده اجزای تشکیل‌دهنده سنت هستند که به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع چهارگانه معرفت دینی، توأم با کتاب الهی، عقل و اجماع، ملاک و معیار صحت و خطای عملکردهای آدمی و مأخذ عمده اندیشه‌ها و رفتارهای ارزشی، به‌شمار می‌آیند.

بنابراین برای تبیین مساله اساسی پژوهش در قالب یک ساختار، ضمن آنکه یافته‌ها در جدول ۲ و ۳ به‌طور کامل تجمیع شده است، لازم به ذکر است که یقیناً توجه به این اصل و رویکرد نظری و عملی به آن و همچنین اصرار بر آن در منابع اصیل اسلامی، می‌تواند آن را به‌عنوان استراتژی حیات و یک روش تربیتی جامع و همه‌سونگر مطرح نماید که در عین حال، مبتنی بر نیازهای گوناگون فطری بشر و در راستای جلب رضای خالق و عنایت خاص رسول خدا ﷺ است و درک مفهوم واقعی و عقلانی محبت معصوم ﷺ و اهمیت دادن به جنبه‌های کاربردی آن و بسنده‌نمودن به آن به‌عنوان یک امر احساسی و عاطفی محض، می‌تواند به‌عنوان خط‌مشی اساسی در زندگی، زمینه تکامل و تعالی حیات انسان را فراهم نموده، سعادت دنیوی و اخروی را برای او به ارمغان آورد.

هم‌چنین به نظر می‌رسد، می‌توان این اصل را به‌عنوان یک راهبرد و یک نظریه تربیتی مطرح نمود و در فریند تعلیم و تربیت به‌عنوان یک هدف و غایت پرورشی، مورد توجه قرار داد و بر اساس آن، برنامه‌های آموزشی و درسی ویژه‌ای تدوین نمود.

جدول شماره ۳، ترسیم ساختار تربیتی استراتژی محبت اهل بیت (علیهم السلام)



## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. صحیفه سجادیّه.
۳. امین زاده، محمدرضا، ۱۳۷۸، *انسان شناسی*، قم: انتشارات در راه حق.
۴. باقری، خسرو، ۱۳۸۰، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات مدرسه.
۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، *ادب فنای مقرران*، ج ۱، قم: مرکز نشر اسراء.
۶. خمینی، روح اله، ۱۳۶۸، *چهل حدیث*، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۷. خمینی، روح اله، ۱۳۷۳، *تفسیر دعای سحر*، ترجمه احمد فهري، تهران: انتشارات اطلاعات.
۸. شاه آبادی، محمدعلی، ۱۳۶۰، *رشحات البحار*، تهران: نهضت زنان مسلمان.
۹. طباطبایی، محمدحسین، بی تا، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۷، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین، بی تا، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. فورگاس، ژوزف، ۱۳۸۳، *هوش عاطفی در زندگی روزمره*، ترجمه اصغر نوری و حبیب اله نصیری، اصفهان: انتشارات نوشته.
۱۲. فیض کاشانی، محسن، ۱۴۰۸، *المحجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، ج ۸، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۳. قمی، عباس، ۱۳۷۱، *مفاتیح الجنان*، تهران: انتشارات فیض کاشانی.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۵، *الاصول من الکافی*، ج ۲، بیروت: دارالاضواء.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۵، *الاصول من الکافی*، ج ۱، بیروت: دارالاضواء.



۱۶. ماير، جان، ۱۳۸۳، هوش عاطفي در زندگي روزمره، ترجمه اصغر نوري و حبيب‌اله نصيري، اصفهان: انتشارات نوشته.
۱۷. مجلسي، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، ج ۲، بيروت: داراحياء التراث العربي.
۱۸. مجلسي، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، ج ۲۳، بيروت: داراحياء التراث العربي.
۱۹. مجلسي، محمدباقر، ۱۴۰۴، بحار الانوار، ج ۸۴، بيروت: موسسه الوفاء.
۲۰. محمدي ري شهري، محمد، ۱۴۲۲، اهل البيت في الكتاب و السنه، بيروت: دار الحديث.
۲۱. مطهري، مرتضي، ۱۳۷۷، معارف اسلامي در آثار شهيد مطهري، قم: معاونت امور اساتيد و دروس معارف.
۲۲. مكارم شيرازي، ناصر و همكاران، ۱۳۷۲، تفسير نمونه، ج ۲۲، قم: دارالكتب الاسلاميه.
۲۳. ملاصدرا، ۱۳۶۳، اسرار الايات، ترجمه محمد خواجهوي، تهران: موسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگي.

